

بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست

۱

زمستان می‌رود و روسیاهی برای زغال می‌ماند... قدیمی‌ها همیشه در اوج زمستان و تحمل سرمای استخوان‌سوزش این ضرب‌المثل را با لحن خاصی به کار می‌بردند. سال ۸۶ هم با اوج گرفتن آن سرمای بی‌سابقه زمستانی‌اش، این ضرب‌المثل، ورد زبان‌ها و گرمی‌بخش محفل‌ها و گندها شده بود! خیلی‌ها با دیدن رفتارهای ناشایست و دور از انتظار برخی هم‌نوعان‌شان در کولاک برف و یخبندان، و حسن سوءاستفاده‌های مالی و رفتاری آنان، یاد این ضرب‌المثل افتادند و با آن لحن خاص، دائم تکرارش کردند. حالا که بهار از راه رسیده و سختی‌های زمستان پشت سر گذاشته شده مفهوم این روسیاهی برای همه روشن‌تر شده است. حالا در این روزها در کنار آن نگاه‌های معترض، نگاه‌های پشیمان و شرمگین هم دیدنی است!

۲

امیدواریم در سال جدید، وقتی دعای مخصوص تحویل سال را خواندیم کمی بیش‌تر از پیش به مضمون آنچه خواندیم و بارها خوانده‌ایم، دقت کنیم و فقط «حول حالنا الی احسن الحال» یک تکرار بیهوده و لقلقه زبانی‌مان نباشد. از خود پرسیده باشیم سال‌های پیشین که دعا کردیم، خود برای رسیدن به «احسن الحال» چه تلاشی داشته‌ایم؛ مبادا ما هم در شمار آن نگاه‌های پشیمان باشیم؟ در میان روسیاهان پس از زمستان؟!

۳

زمستان رفت و بهار آمد. سال جدیدی از راه رسید و شماره‌ای جدید به دست شما. و دوباره «دیدار آشنا» است و امید همدلی‌های جدید مخاطبان و دیدار مخاطبان جدید. راستش را بخواهید یکی از مسائلی که ذهن ما را خیلی مشغول کرده، مخاطبان بسیاری است که دیدار آشنا، آشنای آنهاست و دوست و هم‌نشین محفل‌های خصوصی یا عمومی‌شان، اما هنوز ما نتوانسته‌ایم آنها را بشناسیم یا هنوز به دیدار آشنا، آشنایی نداده‌اند! همین باعث شده در بعضی جاها دست و دل‌مان بلرزد...

قدیمی‌ها سفارش می‌کردند همیشه، فال نیکو برزید حال نیکو بیاید! ما هم اول سال جدید، فال نیکو می‌زنیم و شماره جدید سال را با این امید تقدیم‌تان می‌کنیم که سال ۸۷ سال آشنایی بیش‌تر ما با خوانندگان و مخاطبان مجله باشد؛ مخاطبان عزیز که دل‌مان برای‌شان می‌تپد و هنوز ردی از آنها نیافته‌ایم هرچند آنها مجله‌شان دیدار آشنا را به‌خوبی می‌شناسند و آن را حسابی تحویل می‌گیرند.

۴

هر دم از این باغ، بری می‌رسد. با حلول سال جدید تلاش داریم مفهوم تحول و رسیدن به «احسن الحال» را درک کنیم. هر سال با شروع دوره تازه زندگی طبیعت، ما نیز صفحات و موضوعات تازه‌ای در مجله راه‌اندازی کرده‌ایم؛ امسال هم قصد داریم تنوع و نوگرایی بیش‌تری داشته باشیم.

یکی دو صفحه تازه داریم مثل «فال‌نامه» که از همین شماره تقدیم‌تان کرده‌ایم یا «داستان‌های دورآباد» از ابوشهرزاد که می‌دانیم مشتری داستان‌های این‌وری‌اش بوده‌اید. صفحه دخترانه هم از نظر موضوع و محتوا و فرم، قرار است تغییراتی بیاید البته به مرور، قطع و اندازه مجله را هم که، از وقتی به دست‌تان رسیده متوجه شده‌اید تغییر یافته!

حالا نوبت شماس است که درباره این تنوع، یا تغییر و تحول نظر بدهید تا ما بتوانیم به کمک شما به شکل کاملی که مجله باید برسد، دست بیاوریم.

در سه ماهه اول سال، دور جدید ویژه‌نامه‌ها را هم آغاز خواهیم کرد موضوعات ویژه‌ها بر محور جوان (بایدها و نبایدها) خواهد بود. موضوعات ویژه‌نامه هم جزئی‌تر از موضوعات سال‌های پیشین است تا دست نویسندگان مجله در طرح مباحث و پرداخت آنها باز باشد. شما هم در جریان موضوعات ویژه‌نامه‌ها باشید و مطالب خود را در اسرع وقت برای ما ارسال کنید جوری که قبل از چاپ ویژه‌نامه‌ها به دست‌مان برسد نه بعد از آن!

برخی موضوعات چند شماره آینده به ترتیب عبارتست از:

جوان و تفریح

جوان، خلاقیت و نوآوری یا تقلید

جوان و روابط با والدین

۵

امسال هم گذشت و یک سال به عمر دوستی ما و شما و دیدار آشنا افزوده شد. در این سال که پشت سر گذاشتیم مثل سالیان پیشین مشکلات زیادی پیش رو داشتیم و صد البته خدای را شکر که با همه سختی‌ها مجله تهیه و ارائه گردید و ما شرمند مخاطبان نشدیم. شاید بپرسید این مشکلات چیست که همیشه از آن دم می‌زنید و سر بسته از آن می‌گذرید؟

راستش را بخواهید، قرار نداریم ذهن شما را با مشکلات‌مان درگیر کنیم این را هم عرض کنیم که ما خود به ضعف‌های‌مان واقفیم اما بسیاری از مشکلات ربطی به ضعف‌های ما ندارد و اگر اشتباهات ما دلیل بروز این مشکلات بود، تکلیف خود را به‌خوبی می‌دانستیم! حتما می‌دانید که برای آماده‌سازی و چاپ یک مجله شرایط خاصی باید وجود داشته باشد، که در این روزگار وانفسا و گرفتاری‌های خاص مردم ما، این شرایط روز به روز سخت‌تر و پیچیده‌تر می‌شود.

دعا کنید اشتباهات ما کم‌تر و توان ما بیش‌تر از پیش شود تا بتوانیم بر این شرایط خاص و مشکلات روزمره غلبه کنیم.

۶

سال ۸۶ را با این حسرت پشت سر گذاشتیم که به آرمان دیرین و همیشگی‌مان دست نیافتیم. امیدواریم سال ۸۷ سال تحقق آرزوهای همگان و ظهور آفتاب امید همه امیدواران - حضرت صاحب‌الامر عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف باشد. و حرف آخر این که:

رخ تو در دلم آمد مراد خواهم یافت

چرا که حال نکو در قفای فال نکوست.

ایام‌تان به کام

آرزوست
بنمای
رخ که باغ و
گلستانم